



## نظریه‌های علمی و جنگ ایران و عراق

جنگ‌ها به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی از مناظر مختلفی قابل تحلیل و بررسی اند. جنگ‌ها به علل و دلایل متعددی زمینه ظهور و بروز پیدا می‌کنند؛ تحت تأثیر متغیرهای گوناگون، ممکن است در ابعاد مختلف گسترش یافته و آثار و پیامدهای متعددی بر جای بگذارند و سرانجام اینکه نقطه پایان بخش آنها می‌تواند با یکدیگر کاملاً متفاوت باشد. بر این اساس، رشته‌های مختلف دانشگاهی هر کدام از منظر و موضوع خاص خود، تحلیل‌ها و تئوری‌هایی در مورد جنگ عرضه دارند. برای مثال، علل، روند و پیامدهای جنگ را می‌توان از منظر اقتصاد بررسی کرد، به این معنی که ریشه‌های اقتصادی بروز جنگ را شناسایی کرد و آثار جنگ بر ساختار و سیاست‌های اقتصادی کشور درگیر در جنگ را در دوره‌های جنگ و پس از جنگ مورد بررسی قرار داد. قالب‌های مشابهی را می‌توان در چارچوب سایر رشته‌های دانشگاهی از جمله جغرافیا، روابط بین‌الملل، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق به دست آورد.

در تلقی عامیانه معمولاً از جنگ به عنوان پدیده‌ای مخرب مشابه پدیده‌هایی چون زلزله یاد می‌شود و جالب اینکه برای افکار عمومی معمولاً جنگ پدیده‌ای شناخته شده‌تر (در مقایسه با سایر پدیده‌های مخرب) به حساب می‌آید. اما نکته مهم این است که شناخت علمی پدیده جنگ در مقایسه با پدیده‌های طبیعی بسیار مشکل است، چرا که جنگ یک پدیده انسانی است و بسته به شرایط مختلف از مجموعه متغیرهای متمایزی تأثیر می‌پذیرد و اثرات متمایزی بر جای می‌گذارد. برای مثال، جنگ ایران و عراق را نمی‌توان صرفاً به یک متغیر اختلافات مرزی نسبت داد. علاوه بر اختلافات مرزی، عوامل دیگری نظیر شرایط داخلی ایران، شخصیت صدام حسین، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عراق، درآمدهای نفتی دو دولت، و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به انحاء مختلف می‌توانند در بروز و تشدید جنگ اثرگذار باشند. همچنین جنگ باعث تحولاتی در شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روابط خارجی دو کشور گردید. همین‌طور برای جنگ‌های دیگر نظیر جنگ هند و پاکستان، اسرائیل و اعراب، و آمریکا و عراق می‌توان مجموعه‌های دیگری از عوامل تأثیرگذار و پیامدها را شناسایی کرد. از این رو برخلاف تصور عامه، جنگ در مقایسه با پدیده‌های مخرب طبیعی بسیار پیچیده‌تر است.

بر خورداری از چنین مشخصات و ویژگی هایی، پیش بینی و کنترل جنگ را مشکل می سازد. پیش بینی در مورد یک موضوع خاص، زمانی امکان پذیر است که متغیرهای مستقل و وابسته و همچنین نحوه ارتباط آنها برای ما روشن باشد. اگر برای ما روشن باشد که حرارت ۱۰۰ درجه ای آب موجب به جوش آمدن آن می شود، در آن صورت با مشاهده وارد شدن حرارت به یک ظرف آب به آسانی می توان پیش بینی کرد که با رسیدن حرارت به ۱۰۰ درجه، آب ظرف می جوشد. سادگی این قضیه از آنجا ناشی می شود که ما با دو متغیر یعنی حرارت ۱۰۰ درجه ای و جوش آب سرو کار داریم. این در حالی است که پدیده های انسانی اولاً ممکن است از عوامل متعددی تأثیر بپذیرند و ثانیاً، اثرات مختلفی از خود بر جای بگذارند. از این جهت، پیش بینی قضایا بسیار مشکل می شود. به عنوان مثال اگر علت وقوع جنگ های بین المللی فقط رقابت های تسلیحاتی بود، در آن صورت با مشاهده رقابت تسلیحاتی بین دو کشور، می شد احتمال وقوع جنگ در آینده نزدیک را پیش بینی کرده و برای جلوگیری از آن، به اقدامات لازم دست زد. اما در عمل هرگز این گونه نیست. اولاً به ندرت اتفاق می افتد که صرف رقابت تسلیحاتی بین دو کشور به جنگ بین آنها منجر شود و ثانیاً با مشاهده رقابت تسلیحاتی بین دو کشور هرگز نمی توان به این جمع بندی رسید که وقوع جنگ بین آنها حتمی است. اگر در یک جنگ خاصی سه متغیر مشخص الف، ب، ج، دخالت داشته باشند، در آن صورت نیز با مشاهده حضور این سه متغیر در یک منطقه و زمان دیگر، نمی توان وقوع جنگ را حتمی دانست، چرا که در هر جنگی ممکن است مجموعه متمایزی از متغیرها دخالت داشته باشند. بر این اساس، چه پیش بینی خود جنگ و چه پیش بینی آثار مختلف جنگ امر بسیار مشکلی است. در هر حال باید اعتراف کرد که جنگ ها مثل بیشتر پدیده های دیگر انسانی و اجتماعی به شدت زمانمند و مکانمند هستند.

با توجه به نکات فوق الذکر و همچنین با توجه به اینکه فصلنامه نگین ایران در دوره جدید انتشار خود، یکی از رسالت های اصلی خویش را تبیین علمی جنگ ایران و عراق اعلام کرده است، در نظر دارد تا از این شماره به بعد، با جدیت بیشتری، جنگ ایران و عراق را از منظر نظریه های علمی مختلف علوم انسانی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. در شماره حاضر، جنگ ایران و عراق از منظر تئوری های روابط بین الملل مورد بررسی قرار گرفته است. روابط بین الملل، از رشته های دانشگاهی ای است که ارتباط نزدیک تری با پدیده جنگ های بین المللی دارد. به گونه ای که جمعی از تئوری پردازان روابط بین الملل برآنند که تئوری روابط بین الملل در راستای پاسخ به دو سؤال اساسی طرح می گردد: ۱. جنگ ها تحت تأثیر چه عواملی به وقوع می پیوندند؟ و ۲. چگونه می توان صلح و امنیت قابل اطمینانی را برقرار کرد؟ لازم به توضیح است که حوزه های مورد بحث در دانش روابط بین الملل فراتر از جنگ است و امروزه موضوعات متعددی همچون توسعه اقتصادی، حقوق بشر، و محیط زیست در رشته روابط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. البته شاید بتوان همه آنها را به نحوی با پدیده جنگ مرتبط کرد، اما واقعیت این است که امروزه برای بسیاری از تئوری پردازان، روابط بین الملل ماهیت هابزی ندارد تا مقوله صلح و امنیت (به مفهوم نظامی آن) تنها دغدغه آنها باشد. بلکه فراتر از آن، رفاه و تعامل انسانی ملت ها اهمیت می یابد. با وجود این، باید اذعان کرد که هنوز جنگ به عنوان یکی از موضوعات کلیدی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تئوری های روابط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

بر این اساس، جنگ ایران و عراق نیز به انحاء مختلف در تئوری های روابط بین الملل قابل بحث و بررسی است. به عنوان چند مثال می توان طبق تئوری رئالیسم، رقابت بر سر قدرت و امنیت را عامل اصلی جنگ ایران و عراق به حساب آورد. بر طبق تئوری تصمیم گیری، شرایط خاص حاکم بر تصمیم گیران در کشور نقش اصلی را در بروز و تداوم جنگ داشته اند. طبق تئوری لیبرال انترناسیونالیسم، ریشه اصلی جنگ به ساختار اقتدارگرایانه نظام سیاسی عراق برمی گردد. بر اساس تئوری بازدارندگی، تضعیف قوای نظامی ایران در برهه پس از انقلاب، نقش اصلی را در تهاجم دولت عراق علیه ایران داشته است. طبق چارچوب سازه انگاری، برداشت های خصمانه دو کشور از همدیگر و هویت های متفاوت آنها نقش اساسی در وقوع و تطویل جنگ داشته است. و همین طور می توان با توجه

به دیگر تنوری های روابط بین الملل، وقوع، تطویل و گسترش جنگ ایران و عراق را ریشه یابی کرده و در عین حال آثار آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

بدین ترتیب مقالات این شماره نگیین به موضوع نظریه های روابط بین الملل و جنگ ایران و عراق اختصاص یافته است. در مقاله نخست، نویسنده می کوشد جنگ ایران و عراق را در قالب نظریه سازه انگاری توضیح دهد. بر اساس این نظریه رفتار دولت ها در عرصه بین الملل از هویت آنها متأثر است. آنها براساس برداشتی که از هویت خود دارند دوست و دشمن، متحد و متخاصم خود را در عرصه بین المللی مشخص می سازند و سپس براساس آن به تعریف منافع، فرصت ها، و تهدیدها می پردازند. در این مقاله، هویتی یابی نظام سیاسی ایران و عراق از خود و تأثیر آن بر رفتارشان با یکدیگر به خصوص در جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار می گیرد.

مقاله دوم، جنگ ایران و عراق را از منظر نظریه انتخاب عقلانی تشریح می کند. این نظریه که یکی از دستاوردهای بررسی علمی سیاست خارجی کشورها در دهه ۱۹۶۰ و بعد از آن است بر این اصل تأکید دارد که مواضع و رفتار کشورها همانند انسان ها بر یک سلسله محاسبات عقلانی استوار است که در آن، منافع، سود و زیان، هزینه و دستاورد کشور در هر موردی ارزیابی و تصمیمات لازم برای دستیابی به هدف با هزینه اندک و دستاورد بیشتر اتخاذ می شود. این نظریه در سطح خرد و ملی مطرح است و نشان دهنده برداشت و محاسبات زمامداران و سازمان های کشور در روابط با کشورهای دیگر است. این مقاله با تشریح اصول و مبانی این نظریه، هزینه ها و دستاوردهای جنگ ایران و عراق را از نظر زمامداران دو کشور ایران و عراق بررسی کرده و سعی می کند به چرایی رفتار آنها در پایان دادن به جنگ پاسخ مناسبی بدهد.

برخلاف دو مقاله نخست که بر برداشت زمامداران از هویت و منافع خود در مورد طرف مقابل تأکید دارند، مقاله سوم و چهارم به سطح بین المللی توجه کرده و جنگ ایران و عراق را در قالب نظریه های واقع گرایی و نواقع گرایی بررسی می کنند. سطح تحلیل این مقالات سطح کلان و بین المللی است. آنها اصول کلی و مفاهیم اساسی دو نظریه واقع گرایی و نواقع گرایی را تشریح کرده و کوشیده اند که این دو نظریه مطرح در روابط بین الملل را در مورد جنگ ایران و عراق به کار ببندند. در مقاله واقع گرایی، نویسنده بر این باور است که موازنه قدرت و بر هم خوردن آن در مناسبات دو کشور، سطح منطقه ای و جهانی، از عوامل موثر در جنگ ایران و عراق و روند تحولات آن است. این نظریه در تشریح جنگ ایران و عراق از توان تبیین کنندگی بالایی برخوردار است. جنگ ایران و عراق زمانی آغاز شد که موازنه قدرت در اثر تحولات به وجود آمده در ایران به هم خورد و مناسبات آن با کشورهای دیگر دچار تغییرات اساسی گشت. به هم خوردن موازنه قدرت در مناسبات ایران و عراق، تلاش برای برقراری موازنه بین ایران و عراق از سوی قدرت های بزرگ، ایجاد موازنه به نفع اسرائیل در منطقه و کوشش برای جلوگیری از به هم خوردن موازنه قدرت بین دو ابرقدرت از طریق پیوستن یکی از دو کشور درگیر در جنگ به یکی از دو بلوک محورهای اصلی مقاله است. از نظر نویسنده می توان با استفاده از نظریه واقع گرایی و موضوع موازنه قدرت به تبیین چرایی جنگ و تحولات آن پرداخت.

نظریه واقع گرایی ساختاری یا نظریه نواقع گرایی به نقش ساختار و توزیع قدرت در نظام بین المللی بر رفتار خارجی دولت های ملی می پردازد. فقدان اقتدار مرکزی در نظام بین المللی موجب بروز ویژگی های خاصی در رفتار کشورها در عرصه بین المللی شده است. آنها به دنبال قدرت و امنیت در نظام بین الملل هستند. رفتار آنها تحت تأثیر ساخت و توزیع قدرت در میان کشورها است. رفتار دولت های ملی در نظام بین المللی دوقطبی و رفتار آنها در نظام بین المللی چندقطبی متفاوت است. مقاله سوم با تشریح ساختار نظام بین المللی در دوره جنگ سرد و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، آغاز، تداوم و پایان این جنگ را در قالب نظریه نواقع گرایی تشریح می کند.

در سطح جهانی، کشورها و سازمان های بین المللی برای جلوگیری از منازعه و یا نظم دادن به رفتار کشورها

قواعد و هنجارهایی را ایجاد کرده اند که از آنها با عنوان رژیم های بین المللی یاد می شود. با توجه به فقدان اقتدار مرکزی در نظامی بین المللی، همواره این پرسش مطرح است که آیا رژیم های بین المللی از قابلیت و ضمانت اجرایی کافی برخوردار هستند یا متأثر از منافع قدرت های بزرگ اجرا و یا نقض می شوند؟ منازعات مسلحانه و جنگ میان اعضای جامعه بین المللی، موقعیت و و معیار ارزشمندی برای سنجش میزان عملی و موثر بودن رژیم های بین المللی در سطح جهانی است. مقاله پنجم این مجموعه، به بررسی میزان رعایت و عملی بودن رژیم های بین المللی در جنگ ایران و عراق می پردازد.

بدیهی است مقالاتی که در این شماره و یا شماره های آتی درج خواهد شد به هیچوجه نباید نقطه نظرات نهایی درباره رابطه بین این جنگ و آن تئوری تلقی شود زیرا هر کدام از تئوری های روابط بین الملل قادر هستند تا از زوایای گوناگونی به تبیین جنگ ایران و عراق پردازند. در همین جا فرصت را غنیمت دانسته و بار دیگر از صاحب نظران و اندیشمندان رشته های مختلف علمی تقاضا می نمایم دعوت فصلنامه را اجابت نموده و با ارسال پژوهش های علمی و آکادمیک خویش درباره جنگ ایران و عراق، ضمن ادای دین خویش به شهیدان و جانبازان سرافراز، به غنای هر چه بیشتر ادبیات جنگ کمک نمایند.

جداً از مقالات ویژه این شماره، نگین ایران مقاله ای نیز در مورد موزه های نظامی چند کشور دارد که در آن نقش این موزه ها در هویت سازی و زنده نگه داشتن یاد و خاطره ایثارها و دلاوری های مردمان کشورها در برابر هجوم بیگانگان بررسی شده است. قسمت ها و تاریخچه موزه نظامی کشورهای ترکیه، روسیه، اوکراین، و یونان به اختصار در این مقاله بررسی شده است.

در بخش اسناد این شماره فصلنامه یک مورد سند آمریکایی و یک مورد سند ایرانی در مورد جنگ ایران و عراق ارائه شده است. سند آمریکایی که به وزارت خارجه این کشور تعلق دارد حاصل کار یک گروه پژوهشی است که خطاب به مسئولان وقت وزارت خارجه ایالات متحده تنظیم شده است. در این سند با توجه به موضع برتر ایران، برقراری آتش بس و جلوگیری از سقوط احتمالی و قریب الوقوع رژیم بعثی عراق، به عنوان هدف آمریکا در نظر گرفته شده و در این راستا، دست یازیدن به هر نوع اقدامی سیاسی، دیپلماتیک و نظامی، بررسی شده است.

سند ایرانی، گزارش مکتوبی از اوایل جنگ است که توسط یکی از راولیان جنگ مرکز در ماههای ابتدایی فعالیت مرکز درباره حمله عراق در محور قصر شیرین تهیه و تنظیم شده است. مانور ارتش عراق در جبهه میانی، علاوه بر پشتیبانی از عملیات جنوب، بیشتر به منظور تأمین بغداد از طریق تعمیق مرزهای شرقی طرح ریزی شده بود. این گزارش جزء اولین گزارش هایی است که توسط افراد اعزامی مرکز به جبهه های جنگ تهیه شده و به چگونگی فعالیت عراق در محور قصر شیرین. سر پل ذهاب. تنگه پاتاق می پردازد.

در قسمت معرفی و نقد کتاب سه عنوان کتاب بررسی شده است. کتاب نخست در مورد جنگ ایران و عراق و درس های آن در حوزه راهبردی، حقوق، و دیپلماسی است. کتاب دوم از آنتونی کردزمن است که به بررسی نیروهای نظامی ایران در برابر یک اقدام نظامی می پردازد. هر چند این کتاب مستقیم به جنگ ایران و عراق مربوط نیست، اما تأثیر جنگ بر روندها و توانایی نظامی ایران در دوره بعد از جنگ بررسی می شود و در واقع نگاهی به نیروهای مسلح ایران در برابر حمله احتمالی آمریکا دارد. کتاب سوم، به بحث روابط بین الملل و امنیت در عصر دیجیتال اختصاص دارد.

انتشار شماره ۲۹ فصلنامه نگین ایران به معنای این است که مجله ۷ سال منتشر شده و گام در هشتمین سال انتشار خود گذاشته است. نگاهی به مقالات، اسناد و گزارش های ۲۸ شماره گذشته ساز و کار مناسبی برای بررسی آنها از سوی پژوهشگران است. در این شماره، نمایه ای از مطالب شماره های گذشته بر اساس سه محور فهرست مجلات، فهرست موضوعی و فهرست الفبایی بر اساس نام پدید آورندگان تهیه شده است.